

بررسی مفهوم شناختی کرامت انسانی از منظر قرآن کریم*

بهرام بهرامی**

محمود کاظمی***

چکیده

کرامت انسانی، یکی از مهم‌ترین مبانی ارزش شناختی اسلام درباره انسان است که باید در تربیت اسلامی و بالاخص در تربیت و حقوق شهروندی مورد توجه عمیق و دقیق واقع شود. به طور کلی، دستیابی آدمی به کرامت به اصل انسان بودن باز می‌گردد و اختصاصی به دسته معینی از آدمیان ندارد. از این حیث آدمیان همه از یک گوهرند و همه شریف‌اند و از این حیث هیچ کسی را بر دیگری فضیلتی نیست؛ زیرا همه به گوهر انسانی کریم و مکرم‌اند. واژه کرامت در زبان قرآن، در معنایی بسیار گسترده مورد استفاده قرار گرفته و پرداختن به تمامی وجوه آن، احتیاج به بحثی گسترده دارد. در اصل خداوند هر آنچه را که در نزدش شریف است، با لفظ کریم وصف کرده؛ چنان که می‌فرماید: «وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (شعراء/۷)؛ «وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ» (دخان/۲۶)؛ «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» (واقعہ/۷۷)؛ «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء/۳۳). با التفات به آنچه بیان شد، هدف عمده این مقاله بررسی و تحلیل مفهوم شناختی کرامت انسانی از منظر قرآن کریم و فرهنگ اسلامی است.

واژگان کلیدی: کرامت انسانی، قرآن کریم.

* تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۸۹/۱/۲۱

** استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه زنجان

*** استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه زنجان

مقدمه

قرآن به منزله کامل ترین کتاب آسمانی، که به واقعیت‌های مربوط به انسان و جهان پرداخته و قوانین حاکم بر نظام هستی را بیان داشته، در باره انسان به مثابه اشرف مخلوقات و احسن خالقین سخن گفته است. در واقع هیچ کتاب آسمانی به اندازه قرآن به مبحث انسان و کرامت او نپرداخته است و این حاکی از توجه ویژه خالق جهان و قرآن به انسان است.

کرامت یکی از مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی با تأکید بسیار به کار رفته و از ارزش‌هایی است که باید مورد توجه خاص قرار گیرد. کرامت انسانی، حافظ بسیاری از ارزش‌های الهی و انسانی است. در جامعه اسلامی و در فرهنگ عملی آن، یعنی آنچه در عمل باید به آن پایبند بود، کرامت آدمی باید جایگاه رفیعی داشته باشد. کرامت انسانی در حفظ دین و ارزش‌های دینی نیز نقشی مهم دارد.

کرامت انسانی، همچنین در حفظ نظام اجتماعی نقش بسزایی دارد. اجتماع انسانی احتیاج به نظامی دارد که با اتکاء بر آن، روابط انسان‌ها حفظ شود و در جهت کمال پیش رود. نمی‌توان در جامعه‌ای که در آن، انسان‌ها حقوق یکدیگر را محترم نمی‌شمارند، به مال و ناموس یکدیگر چشم دوخته، در ضایع کردن یکدیگر، بر هم سبقت می‌جویند، به بسیاری از اصلاحات و پیشرفت‌ها و بهبودها، امیدوار بود. یکی از نظام‌هایی که می‌تواند روابط انسان‌ها را تنظیم کند، پرورش کرامت در افراد اجتماع و شناساندن کرامت هر انسان به انسان دیگر است. انسانی که برای خود کرامت قایل است، در حفظ آن تلاش خواهد کرد و دست کم برای حفظ کرامت خویش، کرامت دیگران را نیز پاس خواهد داشت؛ در حالی که انسانی که خود را ارزشمند نمی‌داند، می‌تواند منشأ بسیاری از مشکلات برای دیگران باشد. در نظام اجتماعی اسلام، هر کس در جای خود ارزشمند است. خداوند در قرآن بحث کرامت آدمی را این گونه بیان

می‌کند: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از چیزهای خوش و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری شان بخشیدیم (اسراء/۷۰).

کرامت انسانی، در حفظ سلامت روانی انسان‌ها، حفظ منابع اقتصادی، حقوق سایر ملل و استقلال کشورها و ... نیز موثر است. این امور با شناخت دقیق تر مفهوم کرامت و توسعه و پاسداری آن، امکان پذیر است. بر این اساس، با التفات به نکات فوق، هدف و سعی عمده ما در این مقاله آن است که، به تبیین و تحلیل مفهوم شناختی کرامت انسان از منظر قرآن کریم پرداخته و برخی از وجوه و ابعاد آن را مورد واکاوی و کنکاش قرار دهیم.

معنای کرامت

در «مفردات راغب»، در ذیل ماده کَرَمَ آمده است: « زمانی که کرم را برای توصیف خداوند تبارک و تعالی به کار می‌بریم، اسمی است برای احسان و انعامی که از او صادر می‌شود؛ ولی زمانی که آن را برای توصیف انسان به کار می‌بریم، اسمی است برای اخلاق و اعمال پسندیده ای که از وی بر می‌آید؛ چنان که تا وقتی چنین اعمالی از انسان صادر نشود، به او کریم گفته نمی‌شود. بعضی از علما گفته اند که کرم مانند حریت است، با این تفاوت که حریت در مورد کوچک و بزرگ به کار برده می‌شود؛ در حالی که کَرَم تنها برای بزرگان به کار می‌رود» (راغب، ۵۰۲، ۵۰۲، ق).

همانطور که ملاحظه می‌شود کرامت در مواضع مختلفی به کار می‌رود که از جمله استعمال آن برای خداوند و انسان است. لیکن ما در این جا در صدد آنیم که مفهوم کرامت را برای انسان جستجو کنیم؛ زیرا کرامت در زبان قرآن، در معنایی بسیار

گسترده مورد استفاده قرار گرفته و پرداختن به تمامی وجوه آن، احتیاج به بحثی گسترده تر دارد. در اصل خداوند هر آنچه را که در نزدش شریف است، با لفظ کریم وصف کرده؛ چنان که می‌فرماید: «وَابْتَنَّا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (شعراء/۷)؛ «و زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ» (دخان/۲۶)؛ «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» (واقعه/۷۷)؛ «و قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء/۳۳).

در معنای اکرام و تکریم نیز گفته اند که مقصود از آن، این است که به انسان نفعی برسد که همراه با خواری و نقصانی نباشد و یا این که به انسان چیزی که کریم و شریف است، اعطا شود.

در احادیث اسلامی نیز کرم را با الفاظ گوناگون تعریف کرده اند؛ از جمله در احادیث ذیل: حضرت علی(ع)، کرم را به معنای دوری از بدی‌ها، خوش خویی و دوری از پستی‌ها و ذلت عذاب الهی، معرفی فرموده است و آن را نتیجه بلند همتی انسان می‌داند: «همانا کرم عبارت است از اجتناب از بدی‌ها»؛ «کرم عبارت است از خوش خویی و دوری از پستی‌ها»؛ «کریم کسی است که گرمی بدارد چهره خویش را از طریق دوری از خواری آتش جهنم»؛ «کرم نتیجه بلند همتی است» (غررالحکم و درر الکلم).

ویژگی‌های انسان کریم

در احادیث اسلامی، به‌ویژه آنچه از امیر مومنان(ع) نقل شده، در مورد ویژگی‌های انسان کریم سخن بسیار گفته شده است. ما با توجه به این منابع، ویژگی‌های انسان کریم را به شرح زیر طبقه بندی و توصیف می‌کنیم. البته این طبقه بندی می‌تواند از زوایای دیگر نیز نگریسته و طبقه بندی‌های دیگری از این ویژگی‌ها ارائه شود:

(۱) خویشتن داری

یکی از ویژگی‌هایی که برای اهل کرم برشمرده اند، خویشتن داری و مالکیت هوای نفس است. انسان کریم بر زبان، غضب و امیال خویش تسلط دارد؛ چشم و دلی پاک دارد و هوای نفس در نظرش کوچک و پست است. کلمات زیر از «غررالحکم و دررالکلم» از زبان مولا امیرالمومنین علی(ع) در این باره نقل شده است: «هوای نفست را نگه دار و نسبت به خویشتن از آن چه حرام است بخل بورز؛ زیرا بخل نسبت به خویشتن، حقیقت کرم است»؛ «آن کس که نفسش در نزد خویشتن گرامی است، دنیا در نظرش کوچک است»؛ «کریم به لحاظ نفسانی صبورتر است».

از امام صادق(ع) نیز نقل شده است که فرمود: «سه چیز گواه کرم است: خوش خویی، غلبه بر خشم و چشم پوشی» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۲).

(۲) نرم خویی

از صفات انسان‌های کریم، خوش خویی و نرم خویی است. در نقطه مقابل، انسان لئیم قرار دارد که سخت دل و سخت خوست. انسان کریم در مقابل خواهش دیگران نرم می‌شود؛ در حالی که انسان لئیم در مقابل لطف و تقاضای دیگران، قساوت می‌یابد. از امیر مومنان علی(ع) نقل است که فرمود: «من الکریم لین اللئیم؛ نرم خویی از کرم است» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۰۸).

از امام حسن عسگری(ع) نیز نقل است که فرمود: کریم هنگامی که با خواهش مواجه می‌شود، نرم می‌شود؛ در حالی که لئیم زمانی که لطف می‌کند با قساوت چنین می‌کند(هم چنین نقل شده است که لئیم هنگامی که مورد لطف قرار می‌گیرد قساوت به خرج می‌دهد)(بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۴۱).

۳) پای بندی به عهد و پیمان

یکی دیگر از صفاتی که برای کریمان برشمرده اند، پایبندی آنان به عهد و پیمان است. آنان هنگامی که عهدی می‌بندند؛ وعده ای می‌دهند و زیر بار تعهدی می‌روند، خود را ملزم به انجام آن می‌دانند. کلمات زیر همگی از امیر مومنان علی (ع) است که در «غررالحکم و دررالکلم» آمده است: « وعده کریم نقد است و برآمده؛ کریم آنگاه که وعده ای می‌دهد به آن وفا می‌کند و وقتی به او وعده‌ای داده می‌شود، از آن در می‌گذرد؛ « سنت انسان‌های کریم، وفای به پیمان‌هاست و سنت انسان‌های لئیم، انکار و تکذیب است؛ « وفای به پیمان‌ها از کرم است».

۴- سادگی

انسان کریم، انسانی ساده و به دور از پیچیدگی‌ها و داشتن نیت‌های پنهانی است. از امیر مومنان (ع) نقل شده است که فرمود: « انسان کریم روشن و آشکار است و انسان لئیم پیچیده؛ کریم ساده و جمع و جور است» (غررالحکم و دررالکلم).

۵- آبروداری

برای انسان کریم جایگاه اجتماعی، حرمت و آبرو اهمیت بالایی دارد. او نمی‌خواهد مورد اهانت قرار گرفته، خوار شود. برای او، حفظ آبرو از حفظ مال مهم‌تر است و آبرو را بر مال دنیا ترجیح می‌دهد. خشم و صولت چنین فردی، هنگامی است که مورد اهانت قرار می‌گیرد. امیر مومنان علی (ع) در این زمینه می‌فرمایند: «کرم عبارت است از گزیدن آبرو بر مال و لثامت گزیدن مال است بر مردم»؛ «کریم کسی است که آبرویش را با بذل مالش حفظ می‌کند، در حالی که لئیم

کسی است که مالش را با بذل آبرویش ننگه می‌دارد؛ «بر حذر باشید از خشم کریم، آن‌گاه که خوار شود و از مقام لئیم، آن‌گاه که رفعت بیابد» (غررالحکم و دررالکلم).

۶- احسان

یکی دیگر از صفات بارز انسان کریم، احسان اوست. انسان کریم از احسان کردن و بخشیدن مال لذت می‌برد. او بیشتر دست‌دهنده دارد تا دست‌گیرنده؛ در حالی که لئیم از گرفتن و بهره‌گیری از دیگران لذت می‌برد.

کلمات زیر از مولا امیر مومنان علی (ع) دالّ بر این موضوع است: «کریم کسی است که احسانش را می‌پراکند؛ در حالی که لئیم کسی است که تقاضای بسیار دارد؛ «کریم کسی است که بخشش بر تقاضایش سبقت گرفته است»؛ «کریم کسی است که به احسان کردن پیشی می‌گیرد»؛ «انسان‌های کریم از مرگ نمی‌گریزند که از بخل و همشینی با لئیمان» (غررالحکم و دررالکلم).

۷- بخشش (عفو)

بخشش گناهان و جرایم دیگران، از سنت کریمان است. آنان بدی را با نیکی پاسخ می‌دهند و هنگامی که قدرت می‌یابند، دست به عفو و بخشش می‌زنند. کلمات زیر از مولا امیر مومنان در این زمینه نقل شده است: «اقدام به بخشش از اخلاق کریمان است و اقدام به انتقام از اخلاق لئیمان»؛ «کریم کسی است که بدی را با نیکی پاسخ می‌دهد»؛ «کریم کسی است که اگر قدرت پیدا کند می‌بخشد و اگر دارایی بیابد ارزانی می‌دارد و اگر مورد سوال واقع شود، درخواست را برآورده می‌سازد»؛ «تعجیل در انتقام از صفات انسان‌های کریم تعجیل در انتقام نیست» (غررالحکم و دررالکلم).

علاوه بر این صفات، کریمان دارای صفات مثبت بسیاری هستند که از آن جمله، راستگویی و امانت داری، تقوا، نیکوکاری، قدرشناسی، پاک بازی، وطن دوستی، حق شناسی و ... را می توان نام برد.

انسان و کرامت انسانی از دیدگاه قرآن

«از دیدگاه قرآن، انسان موجودی است دو بعدی، یعنی طبیعت انسانی هم دارای بعد مثبت است و هم دارای بعد منفی. انسان هم می تواند سیر صعودی پیدا کند و هم سیر نزولی، در نهاد او هم استعداد و گرایش به خیرها و نیکی ها وجود دارد و هم گرایش به شر و زشتی ها، انسان هم نفس لوامه سرزنش گر دارد که او را به سوی خیرها و فضیلت ها هدایت می کند و هم نفس اماره دارد که او را به سوی رذایل و زشتی ها سوق می دهد.» (نصری، ۱۳۶۸، ص ۶۳).

انسان در بعد مثبت طبیعت خود گرایش به خدا دارد؛ دارای وجدان است؛ استعداد آن را دارد که به سوی خدا سیر کند و موجودی متعالی شود؛ استعداد آن را دارد تا خود را به مقام نفس مطمئنه برساند. انسان در نهاد خود از چنان استعدادی برخوردار است که خدا به او اسماء آموخته و مسجود ملائکه اش ساخته است و این همان چیزی است که نام فطرت بر او نهاده شده است. در بعد منفی نیز طبیعت انسان بخیل و حریص است، مجادله گر و عجول است؛ دوستدار مال و طغیانگر است؛ فخور و کفور است؛ جنبه منفی طبیعت آدمی به گونه ای است که می تواند انسان را به اسفل السافلین بکشاند. نکته ای که هست این است که جنبه مثبت طبیعت آدمی (فطرت) نسبت به جنبه منفی طبیعت وی (فجور) اصیل تر است؛ به عبارت دیگر، میل به خوبی ها در انسان اصیل تر و اولی تر از میل او به بدی هاست، هر چند خداوند هر دو را به انسان الهام کرده است: «فألهمها فجورها و تقواها» (شمس / ۸).

آیات ۵ تا ۷ سوره تین را می‌توان شاهدی بر تقدم جهت فطری انسان بر جهت طبیعی و حیوانی انسان دانست: «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ السَّافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ»؛ «به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریده‌ایم سپس او را به پست‌ترین منازل بازگردانیدیم مگر آنان که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند پس برایشان مزدی بی‌منت است.»

پس جنبه اصیل آدمی جنبه الهی و فطری اوست و شیطان و حالات شیطانی صرفاً میهمان‌های ناخوانده‌ای هستند که پس از خلقت آدم وارد صحنه شده و پس از آن که آدم مسجود فرشتگان شد و در پی خودداری از سجده بر انسان و به تبع آن نفرین الهی که نصیب او گردید، به اذن خداوند بر حقیقت وجودی او عارض گردید و در دل و جان او رخنه کرد و از آن به بعد، جنبه‌ای طبیعی از حقیقت آدم شد.

با وجود گستردگی و دوام حضور و تأثیرگذاری این جنبه شیطانی بر انسان، کماکان ذات و حقیقت اصیل آدمی، جنبه فطری و الهی اوست. سؤالی که مطرح است، این است که آیا انسان موجودی است خوب یا بد. به عبارتی ذاتاً شرور است یا ذاتاً خیر؟ جنبه اصیل آدمی کدام است؟

«لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم» (تین/۴)؛ (که آفریدیم انسان را در نیکوترین

وجه).

آیه شریفه بیانگر این حقیقت است که انسان، در آغاز خلقت و آفرینش خویش از قوام و اعتدال نیکویی (احسن تقویم) برخوردار است و سپس به دلیل اعمال ناشایست، گروهی از آنها که اهل ایمان و عمل صالح نیستند، این صلاحیت‌ها و قابلیت‌های فطری را تضييع کرده، خود را به درجات پستی می‌کشانند.

این بیان دوگانه که در قرآن شاهدیم این سوال را برای انسان مطرح می‌کند که:

انسان زیباست یا زشت؟ با توجه به آموزه‌های قرآن کریم، پاسخ آن است که، انسان

دارای دو گونه کرامت است: ذاتی و اکتسابی، که در ادامه به تبیین و تحلیل این دو مفهوم می‌پردازیم:

کرامت ذاتی

مقصود از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که در مقایسه با برخی از موجودات دیگر به لحاظ ساختمان وجودی از امکانات و مزایای بیشتری برخوردار است یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتر صورت پذیرفته، در هر حال از دارایی و غنایی بیشتر برخوردار است. این نوع کرامت در واقع حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است و همه انسان‌ها از آن برخوردارند. از این رو هیچ کس نمی‌تواند و نباید به خاطر برخورداری از آنها بر موجود دیگری فخر فرورد و آن را ملاک ارزشمندی و تکامل انسانی خود بداند بلکه باید خداوند را بر آفرینش چنین موجودی با چنین امکاناتی ستود، آنگونه که خود فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون/۱۴).

به عنوان مثال، از جمله آیاتی که در قرآن کریم به این بعد از کرامت انسان اشاره نموده است می‌توان به آیات زیر اشاره و استناد نمود:

در آیه هفتاد از سوره اسراء، تکریم خداوند نسبت به بنی آدم و برتری آنها بر بسیاری از مخلوقات مطرح می‌شود: «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطّیبات و فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً؛ فرزندان آدم را حقیقتاً گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر نشانیدیم و از چیزهای پاک به ایشان روزی دادیم و بر بسیاری از آفریده‌های خود، آنان را به گونه‌ای برجسته برتری دادیم» (سوره اسراء / ۷۰).

در آیه چهار از سوره تین و آیه چهارده از سوره مؤمنون نیز از این که انسان در بهترین نوع خلق شده، سخن گفته شده است: «لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم؛ حقیقتاً ما انسان را در بهترین بنیان آفریدیم.»؛ «فتبارک الله احسن الخالقین؛ خجسته و پر برکت باد بر خداوند که بهترین آفریننده است» (سوره تین/ ۴؛ مؤمنون/ ۷۰).

هم چنین در آیات دیگری بر این مسئله تأکید شده که آنچه در آسمان و زمین است، برای انسان مسخر گشته و یا این که برای او خلق شده است: «الم تروا ان الله سخر لكم ما فی السموات و ما فی الارض و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه؛ آیا مشاهده نکرده و نیندیشیدند که به راستی خداوند آنچه را در آسمانها و زمین است برای شما مسخر ساخته و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور کامل بر شما فرو ریخت» (سوره لقمان/ ۲۰). در سوره بقره نیز به این مطلب اشاره شده است: «هو الذی خلق لكم ما فی الارض جمیعاً» (بقره/ ۲۹).

آیات دیگری همچون آیه ۳۱ و ۳۲ سوره بقره در قرآن مبنی بر سجده ملائکه بر انسان و علم انسان به همه اسماء، و این که انسان دارای مقام خلافت الهی و مقامات عالی در نزد پروردگار است، همه بیانگر شرافت و برتری انسان بر سایر موجودات و مخلوقات هستی و بُعد کرامت ذاتی انسان است.

کرامت اکتسابی

مقصود از کرامت اکتسابی دستیابی به کمال‌هایی است که انسان در پرتو ایمان و اعمال صالح اختیاری خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت برخاسته از تلاش و ایثار و معیار ارزش‌های انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوند است. با این کرامت است که می‌توان واقعاً انسانی را بر انسان دیگر برتری داد. همه انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی فاقد آن می‌مانند.

در خصوص با دسته اول، یعنی کسانی که به کمالات و کرامت‌های انسانی دست می‌یابند، قرآن آیاتی ناظر به این دسته از انسان‌ها دارد؛ مثل «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ»؛ گرامی‌ترین شما نزد پروردگار با تقوا ترین شمایند (حجرات/۱۳). اما در مورد دسته دوم، یعنی کسانی که از این کمالات و کرامت‌ها برخوردار نیستند، قرآن آیاتی نیز ناظر به این دسته دارد؛ مانند: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»؛ آنها مانند چارپایان هستند و بلکه گمراه‌تر از آنان اند (اعراف/۱۷۹).

دستیابی به کرامت به اصل انسان بودن باز می‌گردد و اختصاصی به دسته معینی از آدمیان ندارد. از این حیث آدمیان همه از یک گوهرند و همه شریف‌اند و از این حیث هیچ کسی را بر دیگری فضیلتی نیست؛ زیرا همه به گوهر انسانی کریم و مکرم‌اند (باقری، ۱۳۷۹). هر گاه آدمی آن گوهر شریف را که از آن بهره‌ور شده، پاس دارد و آن را جلوه‌ای بیشتر بخشد، خود را سزاوار کرامتی افزون‌تر گردانیده است و خداوند او را در پایگاه فراتری از کرامت جای می‌دهد و او را «رزق کریم» عطا می‌کند: «فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»؛ پس کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند آنان را بهره‌ای از مغفرت و پاداش بزرگوارانه خواهد بود (حج/۵۰).

و اگر آن گوهر را به تیرگی بنشانند و در بوتۀ اجمال افکنند، دستمایۀ کرامت خویش را به فنا داده و چنین است که گاه خفتی از پی آن کرامت بار می‌آید و این خفت به ریشه دویده، دیگر هر کرامتی را نیز به یأس مبدل می‌سازد: «وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ»؛ و هر که را خدا خوار و خفیف دارد پس دیگر اکرام کننده‌ای برای او نخواهد بود (حج/۱۸).

از این رو، اگر دشمنان ملت‌ها و انسان‌ها، بتوانند کرامت آنان را هدف قرار داده و آن را تبدیل به لثامت کنند، می‌توانند بسیاری از ارزش‌های انسانی را لگدمال و نابود نمایند.

جمع بندی و نتیجه گیری

از آنچه بیان شد، می توان چنین نتیجه گرفت که انسان از دیدگاه قرآن دارای ابعاد وجودی مختلفی است که شاکله و شخصیت انسان بر اساس آنها شکل می گیرد. لیکن یکی از مهم ترین این خصوصیات و ابعاد وجودی که قرآن با تأکید فراوان به آن پرداخته و عنایت ویژه ای نیز بدان دارد بحث توجه به حفظ و ارتقای کرامت انسانی است؛ از این رو می توان از این مولفه به عنوان یکی از مبانی انسان شناختی و ارزش شناختی در مکتب اسلام نام برد. بر این اساس، با توجه به وجود چنین پیش زمینه های نظری و فرهنگی در خصوص انسان و کرامت او، ضرورت ایجاب می نماید که نهادهای فرهنگی و سیاست گذاران نظام سیاسی- اجتماعی کشور حداکثر استفاده را از این شرایط و پیش زمینه های فرهنگی مطلوب در جهت تحقق اهداف نظام اجتماعی- سیاسی- فرهنگی و اقتصادی نموده، آن را به صورت عملیاتی مورد توجه خود قرار دهند. به طور حتم توجه به کرامت انسانی کارکردها و اثرات بسیار مطلوبی در فرایند زندگی اجتماعی و سیاسی انسان و سایر ابعاد زندگی او دارد که یکی از مهم ترین آنها، توجه به حقوق و وظایف شهروندی است؛ مقوله ای که امروزه، اکثر نظام های سیاسی- اجتماعی از آن به عنوان یک شعار راهبردی استفاده می کنند. بنابراین، با التفات به نکات فوق، توجه به کرامت انسانی یکی از مبانی مهم انسان شناختی و ارزش شناختی اسلام درباره انسان، یکی از ضروریات کنونی جامعه ما بوده و بر همین اساس لازم است که در تربیت اسلامی و بالاخص تربیت و حقوق شهروندی مورد توجه عمیق و جامع واقع شود.

منابع

- ۱- قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، انتشارات سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، تهران.
- ۲- نهج البلاغه، گردآوری سید شریف رضی، ترجمه عبدالحمید آیتی و محمد دشتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و قم، نشر مشرقین.
- ۳- آمدی، عبدالواحد (۱۳۲۷). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه محمد علی انصاری، تهران، انتشارات علمی.
- ۴- مجلسی، محمدباقر (بی تا). بحارالانوار ج ۲ و ۳. تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۵- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی. جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه.
- ۶- نصری، عبدالله (۱۳۶۸). انسان از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۷- جمعی از مولفان (۱۳۸۴). تربیت اسلامی. انتشارات حوزه و دانشگاه. قم.